

بقلم : آقای دکتر علی منظهری

استاد دانشگاه پاریس

بیستگان در ادبیات دری

(بقیه از شماره قبل)

فاما سبک (هندی) از هرات می‌آغازد یعنی شهر دوره (کرت) بروزن قفل بضم کاف تازی - نه هرات ملوک (شمنبانیه) که سلسله (غوریان) از آن پدید آمد یعنی در دوره کرت که تاریخ آنرا (سیفی هروی) بر نگاشته و نسخه آن کتاب ۲۴ سال قبل از این در کلکته طبع شد.

این سبک از هرات بیرون آمده از طرفی در هندوستان گورگانیان و از دیگر طرف در اصفهان صفویه رواج یافت.

سبک شعرای صفویه (هندی) یعنی (هراتی) است و استادشان هم (جامی) است در حالیکه معماری صفویه ناشی است از ابنیه هرات عهدسلطان (شاهرخ) و سلطان حسین (بای قرا) که خرابهای آن هنوز باقی است و نام آن سبک (مقرنس شیرازی) است طبق اصطلاح (غیاث الدین جمشید کاشی) و این آخرین سبک هاست زیرا که اصولاً (سبک) هر دوره ناشی از سبک زندگی و روحیه مردم آن دوره است و کلاهر تمدن سه دوره دارد نه بیش و ناچار سه سبک ایجاد میشود نه بیش.

انشاءالله هر گاه فرصت شد با سراین مطلب مهم باز خواهیم گشت چون که او مشکل‌ترین مطالب تاریخ است زیرا که بفلسفه (عدد) و بفلسفه (حساب) ارتباط دارد بهمین سبب حتی خواص خلق از دریافتن آن عاجز اند تا بیچاره عوام را خود چه رسد.



در دوره سبک هندی اثر (بیستگان) در دربار گورگانیان هند که اصولاً یک

دربار ایرانی و ذاتاً يك دولت خراسان نیست هنوز یافت میشود .

در آنجا نیز (بیستگانه) مر بوطست به مواجب سپاهیان - دریغ که بنقد (آئین اکبری) در زیر نظر نیست تا که از روی آن نقل کنم . ناچار مراجعه میکنم به (برنیه Bernier) پزشک فرنگی که در خدمت (اورنگ زیب) پادشاه گورگانی

چند مدت ماند و با صدراعظم او بسیار دوست شد و اینک ترجمه عبارت او :

« اکبر پادشاه خواست که سپاهیان و منصب داران منقسم بر سه قسم شوند و سه گونه مواجب گیرند قسم اول بمقیاس ۱۲ ماه قسم دیگر بمقیاس ۶ ماه و قسم سوم بمقیاس ۴ ماه .

۱

مثلاً وقتی که امپراطور (اورنگ زیب) ماهی ۲۰ روپیه [= بیستگانی] بيك منصبدار بعنوان قسم اول میپردازد حقوق سالانه او ۷۵۰ روپیه میشود زیرا که همیشه ۱۰ روپیه زاید (بعنوان جامگی) علاوه می کنند و آن کسی را که باو همان مبلغ را میدهند بمقیاس دوم در واقع ۳۷۵ روپیه دریافت میکنند و آنکه مواجبش بمقیاس سوم پرداخت میشود در سال ۲۵۰ روپیه بدو میرسد و غرابت این قاعده در آنست که کسیکه مواجب او را بمقیاس چهار ماه میپردازند مدت یکسال تمام خدمت دولتی کرده درست مانند آنکه حقوق خود را به مقیاس ۱۲ ماه می ستاند .

برای فهمیدن این عبارت پیچیده باید گمت مواجب ۱۲ ماه عبارتست از :

$$۱۰ + ۱۲ \times ۲۰ \text{ و این مواجب با نصفش میشود :}$$

$$\frac{(۲۰ \times ۱۲ + ۱۰)}{۲} + (۲۰ \times ۱۲ + ۱۰)$$

یعنی بمقیاس ۱۸ ماه و دیگر که :

$$۲ \times \left[\frac{(۲۰ \times ۱۲ + ۱۰)}{۲} + (۲۰ \times ۱۲ + ۱۰) \right]$$

حقوق سه بار دوازده ماه خواهد بود .

پس اساس این (بیستگان) عبارت است از $(۱۰ + ۳ \times ۲۰)$ و این را یعنی سه بار (بیستگان را بعلاوه ده روپیه (جامگی) بغلامان که پتر ماهی یکبار و بغلامان میانہ ۲۰ روز یکبار و بغلامان مهتر ۱۰ روز یکبار می پرداخته اند .

چنانچه مواجب اصغر غلمان $۲۵۰ = ۱۰ + (۳ \times ۲۰) \times ۴$ خواهد شد .

و مواجب اوساط غلامان $۳۷۵ = ۱۵ + (۳ \times ۲۰) \times ۶$ خواهد شد .

و مواجب اکابر ایشان $۷۵۰ = ۳۰ + (۳ \times ۲۰) \times ۱۲$ خواهد شد .

و این جمعها همان ارقامست که (بر نیه) میدهد و بحقیقت ۴ و ۶ و ۱۲ در حکم ضریب سابقه خدمت یعنی رتبه و درجه است و ۱۰ و ۱۵ و ۳۰ در حکم (جامگی) وعیدی است روی تناسب درجات اصغر و اوساط و اکابر غلامان شاهی (۱) در حالی

۱- تنها مرجع درین باب فصل بیست و هفتم است از (سیاست نامه) ترتیب غلامان

سرای (سامانیان) و از آنجا پیدا است که سه درجه عمده داشتند (غلام) از سن ۱۴ تا ۲۱ سالگی که هفت سال خدمت باشد پس از این سن او را (اوتاق باشی) یا (وثاق باشی) گفتندی و سی غلام جوان در (وثاق) یا اوطاق او و تحت فرمان او بودند .

بعد از چند سال (خلیل باشی) شدی و درجه بالاتر (حاجب) است فوقش در ۳۵ سالگی باین رتبه رسیدندی - چنانچه (خلیل باشی) جوان ۲۶/۲۷ ساله بودی . پس مراد ما از اصغر و اوساط و اکابر غلمان سر بازان تا ۲۱ ساله و تا ۲۸ ساله و تا ۳۵ ساله باشد . در خلال این سنوات هم درجاتی بوده است لکن امتیاز باسب و یراق و کلاه و اینگونه آلات بودی نه بمواجب - از ۲۱ سال بی بعد مواجب یک برابر و نهم میشد چون زن میبردند و از ۲۸ سال بی بالا دو برابر میشد چون عیال وار بودند .

مراد از (قراچوری) کتاره یا شمشیر کوتاهی بود ساخت (کلاچوری) از بلاد هند که آنرا بکمر غلام ۱۵ شانزده ساله بستندی که تازه سواری آموخته و براخته قزاقی (اسب ترکی) برمی نشیند و این اسبی است کوتاه قد که فرنگان Poney پونه گویند این دو فقره عرض شد زیرا که (شفر) فرنگی و مرحوم محمد قزوینی و آقای مرتضی مدرس چهاردهی از آن اطلاع نداشتند .

کلاچوری Kâlatchourri در ناحیه (جبلپور) فعلی قرار داشت در شمال دیار

(مراتهان) در سرچشمه رود (نربد) .

که رقم اصلی که ظاهراً یادگار عهد قدیم خراسان است یعنی سه بار (بیستگان) راجع میشود بدانچه در دولت آل سامان (حساب المرتزقه) ناهمبندی .
 لکن از عصر سامانیان باز تا عصر گورگانیان در ضریب تغییری حاصل شده است چه در عهد سامانی ضریبها ۲ و ۳ و ۴ بود ولی در عهد گورگانی ۴ و ۶ و ۱۲ می باشد .

یعنی سامانیان (چند) را در سال دو بیستگانه دادندی ۶ ماه به ۶ ماه و (مرتزقه) را سه (بیستگانه) دادندی ۴ ماه به ۴ ماه و (بیستگانه خواران) درجه اول را چهار بار در سال بیستگانی دادندی ، هر ۳ ماه به ۳ ماه ، در حالیکه گورگانیان زمان اکبر پادشاه نسبتاً مستغنی شده بوده اند و در ظرف سال اصغر را چهار (بیستگانه) میدادند .

مانند اکبر عهد سامانی ۳ ماه به ۳ ماه ، اوساط غلمان را ۶ بار (بیستگانه) میدادند ، ۲ ماه به ۲ ماه ، و اکبر ایشانرا دوازده (بیستگانه) میدادند ، يك ماه به يك ماه .

دیگر می بینم که بروزگار سامانی نوعی (دمو کراسی) حکم فرماست یعنی موجب صاحب منصب عالی رتبه فقط دو برابر موجب سر بازا است نه بیش در حالی که در عصر گورگانی موجب صاحب منصب عالی رتبه ۳ برابر موجب درجه پائین تر است .

واستعجاب (بر نیه) بهیچوجه مورد ندارد زیرا که وی ضریب درجه را با تعداد ماهها خلط کرده است و فی الواقع این موجبها راجع است بسال نه بماه همانا که پزشک فرانسوی مطلبی را که صدراعظم گورگانیان برایش توضیح داده نیک در نیافته هر گاه موالی عظام و مخدومان گرام در باره (بیستگان) و (بیستگانه) اطلاعات دیگری جز آنچه عرض شد داشته باشند و در دسترس ما نهند نهایت امتنان حاصل خواهد شد والله الموفق .